

مفهوم برنامه ریزی روستائی واهداف آن
 دکتر مسعود مهدوی، گروه آموزشی جغرافیا، دانشگاه تهران

برنامه ریزی بطور کلی نوعی تفکر درباره مسائل اجتماعی و اقتصادی است که نتیجه آن به صورت منطقی و علمی موجب بهبود زندگی انسانها خواهد شد. به عبارت دیگر می توان برنامه ریزی را علم اداره و کنترل سیستم ها به منظور بهبود زندگی انسانها تلقی نمود. علم برنامه ریزی بطور جدی و فعال در قلمرو جغرافیا مطرح است. به همین جهت جغرافیدانان می توانند به عنوان یکی از موجه ترین عاملان در برنامه ریزی ها، عمل نمایند. زیرا برنامه ریزی ناحیه ای^۱ برنامه ریزی شهری^۲ و برنامه ریزی روستائی^۳ شاخه های از جغرافیای انسانی را تشکیل می دهند.

برنامه ریزی روستائی برخلاف برنامه ریزی های ناحیه ای و شهری در سالهای اخیر مطرح گردیده و حال اینکه برنامه ریزی های ناحیه ای و شهری از دیرباز از عهد باستان، مورد عنایت حکام و سلاطین و امپراطوران و حتی جامعه شناسان بوده است. زیرا توسعه و گسترش شهرها به موازات حفاظت و امنیت آنها، پیوسته مورد توجه قرار می گرفته و حال اینکه روستاها اغلب فراموش می شده اند.

بعد از انقلاب صنعتی با پیشرفت تکنولوژی و افزایش جمعیت، نیاز به مواد اولیه برای صنعت و غذا برای جمعیت روز به روز، بیشتر از پیش در جهان احساس می گردید و عموماً "روستاها به عنوان منابع اصلی تولید این مواد، چهره نمائی می کردند. از اینرو بر اساس این نیازها، روستا مورد توجه قرار گرفته و برای بهره مندی هرچه بیشتر از منابع و تولیدات در روستاها، علم به خدمت گرفته شد. در چنین شرایطی بوده که برنامه ریزی در روستا به منظور تامین نیاز صنایع و مواد غذایی، عنوان گردید. و برای نیل به آن، شناخت مسائل روستائی و برنامه ریزی جهت رفاه ساکنان روستا و حفظ محیط زیست روستاها، به صورت امری اجتناب

1- Regional Planning

2- Town Planning

3- Rural Planning

ناپذیر درآمد. در همین راستا بود که در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان با افزایش تکنولوژی و مدرنیزه شدن روستاها و افزایش در تولیدات کشاورزی و منابع طبیعی، تغییرات وسیعی در سطح روستا به عمل آمد و موجب تغییر چهره روستا گردید. بدیهی است که این تغییرات به مراتب در حومه شهرها بیشتر از روستاهای دور افتاده عمل نمود. به عبارت دیگر می‌توان گفت که به مقدار قابل توجهی، میزان تاثیرات تکنولوژی و اعمال برنامه‌ریزی در روستاها نسبت معکوس با فاصله روستاها تا مراکز شهری و تکنولوژی داشته است. از طرف دیگر با گسترش شهرها که عموماً "با صنعتی شدن و توسعه خدمات همراه بوده است، سیل مهاجرت از روستاها به سوی شهرها ادامه یافت و جمعیت روستاها تقلیل پیدا نمود و با توسعه صنایع، بسیاری از منابع طبیعی رو به کاهش نهاد و برخی از آنها نیز مانند رودخانه‌ها در معرض آلودگی و انهدام قرار گرفت و این امر خود نیز موجب کاهش و یا تاثیردر کاهش جمعیت برخی از مناطق روستائی شد.

بطور کلی برنامه‌ریزی روستائی به عنوان يك مکانیسم مناسب جهت تعدیل در جابجایی جمعیت، ایجاد رفاه ساکنان روستاها و جلوگیری از انهدام منابع طبیعی اعم از تجدید شونده و یا تجدید نشدنی، مطرح گردید. اگرچه در بسیاری از کشورها، دولت‌ها با این امر بطور جدی برخورد ننموده و در چنین شرایطی که به برنامه‌ریزی روستائی توجه مقبولی نگردیده است، بسیاری از مشکلات شهری بطور مستقیم در رابطه با روستاها بوجود آمده است. زیرا روستائیان فقیر و تعلیم نیافته که اغلب در روستاها قادر به امر معاش نبوده‌اند، مزارع و جایگاه‌های آباء و اجدادی خود را رها کرده و بطرف شهرها عزیمت نموده‌اند. این جابجائیها عموماً "به منظور بهره مندی از امکانات رفاهی و اجتماعی شهرها صورت پذیرفته است. زیرا دسترسی به این قبیل امکانات به علت عدم برنامه‌ریزیهای روستائی در مناطق روستائی امکان‌ناپذیر بوده است. یا این وصف ازدحام جمعیت در شهرها نیز خود موجب تراکم مساکن و بهم خوردن نظامهای شهری گردیده است. از طرف دیگر با توجه به اینکه کشاورزی عموماً "به حفظ اراضی روستاها و خود روستاها بقا"

می‌بخشد، با کاهش جمعیت روستائی و با کاهش فعالیتهای کشاورزی روستاها، در بسیاری از کشورها که به امر برنامه ریزی روستائی توجه ننموده‌اند، متروک گردیده و زمینهای کشاورزی تبدیل به بیابان، کویر ویا باطلاق شده است. طبیعی است که به موازات تغییرات ذکر شده در روستاها، شهرهانی نیز دگرگون شده و در نتیجه این دگرگونیها گاهی به نظر می‌رسد که محیط طبیعی شهر و روستا آن ارزش واقعی خود را از دست داده‌اند. زیرا اراضی کشاورزی روستاهای تخلیه شده اغلب محل ایجاد کارخانهها، مساکن، محل دفن زبالهها و یا گورستانهای مختلف گردیده و محیط طبیعی بسیاری دیگر از روستاها تغییر یافته است و در همین راستا شهرهانی نیز بی نصیب نمانده‌اند. آلودگی هوا، سرو صدا، تراکم جمعیت، ترافیک بیش از حد، آلودگی محیط زیست، کمبود مواد غذایی و برخی مسائل و مشکلات اجتماعی بوجود آمده در شهرها اغلب در رابطه با عدم برنامه ریزیهای روستائی بوده است؛ زیرا که به زندگی روستائیان و بقاء روستا توجه نشده و یک برنامه ریزی صحیح و سیستماتیک روستائی که در نهایت قادر است از اضمحلال روستا و محیط طبیعی روستا جلوگیری به عمل آورد، در چنین جوامعی مدنظر قرار نگرفته است. حال اینکه تجربه نشان می‌دهد در بسیاری از کشورهای پیشرفته، وجود برنامه ریزیهای روستائی حساب شده، به همراهی روشها و ابسازار ارزشمند توسعه، توانسته است از دگرگونیهای نابه‌هنجار روستاها جلوگیری نموده و طبیعتاً " در چنین شرایطی به موازات بقاء و توسعه روستاها، مناطق شهری نیز تا حدود زیادی از تغییرات ناگهانی در امان بمانند.

برنامه ریزی روستائی اگرچه در محیط جغرافیایی کوچکی بنام روستا انجام می‌شود ولی به منظور نیل به هدف غائی آن، می‌بایست سازمانها و تشکیلات برنامه ریزی و یا عوامل اجرائی و عمل کننده برنامه ریزی محدود نباشد. برنامه ریزی روستائی لازمتی است که با مجموعه‌ای از ایده‌ها در رابطه با ویژگیهای روستا و یا روستاهای منطقه طراحی گردد و دانش جدید باید پشتیبان آن باشد و به عبارت دیگر برای برنامه ریزی روستائی، علوم مختلف که در رابطه با اهداف برنامه هستند، به خدمت گرفته شود.

کمبود و یا عدم آگاهی از مسائل مختلف برنامه‌ریزی و علمی که باید در خدمت برنامه‌ریزی قرار گیرد، موجب خواهد شد تا جواب مثبت از برنامه‌ریزی روستائی عاید نشود. برنامه‌ریزی روستائی اصولاً "می‌بایست بر اساس يك شناخت واقعی و همه جانبه از روستا انجام پذیرد، تا بر اساس روشهای برنامه‌ریزی، امکانات و استعدادهای بالقوه و بالفعل روستا مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بنابراین می‌توان اذعان داشت که روستا شناسی، مقدم بر برنامه‌ریزی روستائی است؛ زیرا لازم است که بر اساس دریافت استعدادهای موجود روستا، برنامه‌ریزی نمود.

با توجه به اینکه روستا يك واحد جغرافیایی است که عوامل پیچیده انسانی و طبیعی در شکل‌گیری آن دخالت دارند، بنابراین شناخت واقعی روستا نیز به سادگی امکان پذیر نمی‌باشد. در این صورت لازم است تا بسیاری از علوم، قبل از اینکه در خدمت برنامه‌ریزی روستائی قرار گیرند، مورد استفاده روستا شناسی واقع شوند و به عبارت دیگر باید از روستا يك شناخت دقیق و کلی جغرافیایی بعمل آید تا زمینه لازم برای برنامه‌ریزی روستائی فراهم شود. همچنین به این نکته توجه نمود که چون زندگی در روستاهای بسیاری از کشورها امری محلی است، یعنی شرایط طبیعی و انسانی (جغرافیایی) از روستائی به روستای دیگر حتی در فاصله‌های خیلی کم تغییر می‌نماید؛ لذا در بسیاری از موارد، برنامه‌ریزی‌های از بالا تعیین شده، توفیق چندانی حاصل نمی‌نمایند. از طرف دیگر مسئله شناخت يك يك روستاها به علت تعدد آنها مستلزم هدف و دقت و هزینه گزاف است. این دو عامل در کشورهای در حال توسعه عمل برنامه‌ریزی روستائی را با مشکل مواجه می‌نمایند. اگر چه گاهی دیده می‌شود که بر اساس شناخت کلی از روستاهای يك منطقه برنامه‌ریزی روستائی انجام می‌شود، ولی در عمل با توجه به اینکه کلیه مراحل برنامه‌ریزی از نظر تکنیک و روش صحیح است، اغلب نتایج مطلوب حاصل نمی‌شود. زیرا که شالوده برنامه‌ریزی روستاها که باید بر اساس شناخت واقعی تك تك روستاها باشد، صورت پذیرفته است. شاید بتوان این نوع برنامه‌ریزی روستائی را به مثابه تجویز يك نوع دارو برای امراض گوناگون دانست؛ در این صورت می‌توان گفت که این

شکل برنامه ریزهای روستائیی، دارای نقش تکنیکی می‌باشند.

بطور کلی در مورد برنامه‌ریزی روستائی می‌توان چنین بیان نمود که برنامه‌ریزی روستائی، مراحل تشخیص و تعیین عوامل پیچیده طبیعی و انسانی روستا است که آن عوامل در ایجاد، تغییر و یا توسعه عوامل دیگر در آن روستا موثر هستند. مطالعه در مورد روابط و برخورد پدیده‌ها و اثرات مشخص آنها بر یکدیگر، امکان دست یافتن به میزان و اندازه تغییر یک عامل و یا عوامل دیگر و تاثیر یک پدیده در پدیده‌های دیگر را به وجود می‌آورد. به وسیله برنامه‌ریزی روستائی می‌توان تعیین و پیش بینی نمود که باید چه میزان تغییر در یک عامل طبیعی و یا انسانی در یک روستا بوجود آید تا یک اجتماع روستائی ضمن رسیدن به رفاه اجتماعی و اقتصادی، بدون تخریب محیط طبیعی، محیط آرام و مساعدی برای زندگی داشته باشد. در چینی شرایطی قطعا " مصالح نسلهای آینده نیز مورد توجه قرار گرفته است. به توجه به مباحث فوق می‌توان چنین گفت که برنامه‌ریزی روستائی عبارت است از سلسله عملیاتی که در آن رسیدن به هرچه بیشتر رفاه ساکنان روستا و حفاظت از سیستم بیولوژی محیط طبیعی روستا تصریح شده است. بنابراین در برنامه‌ریزی‌های روستائی دو دیدگاه مشخص مورد عنایت است: ۱- رفاه ساکنان روستا ۲- حفظ محیط طبیعی روستا و جلوگیری از تخریب و آلودگیهای آن.

اهداف برنامه ریزی روستائی

یکی از خصائص عمده هر برنامه‌ریزی، هدف دار بودن آن می‌باشد. به عبارت دیگر وقتی که خصائص یک برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار گیرد، در قدم اول هدف و یا اهداف برنامه‌ریزی مطرح می‌گردد. بنابراین در برنامه‌ریزی روستائی نیز قدم اول، هدف و یا اهداف آن می‌باشد. ضمن اینکه اغلب کارشناسان مسائل روستائی بر این نکته توافق دارند که اهداف عمده برنامه‌ریزی روستائی، تامین رفاه ساکنان روستا و جلوگیری از تخریب محیط

طبیعی روستا است. ذیلا" دیدگاههای چهار نفر از متخصصین مسایل روستا مطرح می‌گردد.

اور وین^۱ شاید از جمله اولین کسانی باشد که به برنامه‌ریزی روستائی توجه نموده است. وی در سال ۱۹۴۴ در کتاب معروف خود تحت عنوان Country Planning چهار هدف عمده برای برنامه‌ریزی روستائی، مطرح می‌نماید.

۱- ایجاد فرصتهای اشتغال در روستا

۲- بالا بردن سطح زندگی در روستاها

۳- توجه به عقب ماندگی زندگی اقتصادی و اجتماعی

۴- جلوگیری از تخریب مناظر زیبا و طبیعی روستا و حفظ زیبایی

روستاها.

تورن^۲ در کتاب Participation in Rural Planning که در سال

۱۹۷۰ نوشته است؛ برای برنامه‌ریزی روستائی چهار هدف مشخص نموده که

در سه مورد با نظر اور وین مغایرت دارد.

۱- توجه به توزیع اراضی بطور منطقی به منظور استفاده‌های کشاورزی،

توسعه مساکن، صنعت و سایر پدیده‌ها.

۲- حفظ زیباییها و خصوصیات مناطق روستائی

۳- توزیع مجدد جمعیت، بین روستاها به منظور جلوگیری از توسعه

تعدادی از روستاها و ممانعت از متروک شدن آنها.

۴- جلوگیری از ازدیاد جمعیت روستاها که موجب تغییر شکل و ماهیت

آنها می‌شود.

لسی^۳ در کتابی که تحت عنوان

Rural Planning Environment در سال ۱۹۷۷ نگاشته است؛

برای برنامه‌ریزی روستائی هشت هدف عمده مشخص نموده است که به شرح

زیر می‌باشد:

1-Orwin

2-Thorns

3-W.R.Lassey

- ۱- حفظ محیط زیست روستا به منظور تداوم بخشیدن به حیات و بقا، منابع طبیعی که مورد بهره برداری انسان قرار می‌گیرد.
- ۲- اختصاص اراضی به بهره‌برداری های مطلوب و از پیش تعیین شده.
- ۳- توسعه بهداشت و سلامت انسان در مناطق روستائی.
- ۴- جلوگیری از تخریب مکانهای زیبای طبیعی روستا.
- ۵- ایجاد و آماده ساختن موسسات اجتماعی، اقتصادی و دولتی در روستا.
- ۶- ایجاد رفاه ساکنان روستا.
- ۷- توجه به ایجاد ساختمان های جدید مناطق روستائی که ایمن ساختمانها الزاما " باید با محیط طبیعی روستا هماهنگ بوده باشد.
- ۸- تهیه طرح هادی در روستا.

منابع

- 1- Lassey W.R. 1977. Planning in Rural Environments
- 2- Branch.M.C 1966.Planning: Aspects and Application
- 3- Fneeman .T.W.1967 Geography and Planning
- 4- Chisholm .M 1973. Rural Setteltment and Land use